

من زخم را دوست داشتم اما او با همسایه‌مان در ارتباط بود

مردی که مدعی است همسرش را به خاطر رابطه پنهانی با همسایه به قتل رسانده در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

6 بهمن‌ماه سال گذشته مرد میانسالی با مراجعه به پلیس آگاهی مدعی شد دختر 38 ساله‌اش به نام سمیرا چند ماه است ناپدید شده است. وی در پاسخ به سؤال مأموران که چرا بعد از این مدت به پلیس مراجعه کردی، گفت: در این مدت از شوهرش پیگیر او بودم اما می‌گفت به سفر رفته است، دخترم 10 سال پیش ازدواج کرد و حالا یک فرزند 7 ساله دارند. شوهرش مدعی بود دخترم با همسایه‌شان به نام مهیار مخفیانه به ترکیه رفته‌اند. اما حالا فهمیدم دروغ گفته و احتمال می‌دهم خودش بلایی سر دخترم آورده باشد.

پس از ثبت این شکایت، مأموران داماد خانواده را احضار کردند و تحت بازجویی قرار دادند. وی با تکرار حرفهائی که به پدر همسرش گفته بود عنوان کرد: مدتی قبل فهمیدم سمیرا با مهیار که در طبقه دوم ساختمان‌مان زندگی می‌کرد ارتباط پنهانی دارد، اما به خاطر علاقه‌ای که به او داشتم چند بار به او تذکر دادم و از خطایش چشم‌پوشی کردم، اما از اعتماد سوءاستفاده کرد و با همان پسر فرار کرد و من و دخترش را تنها گذاشت و به ترکیه رفت.

در ادامه تحقیقات مشخص شد، وی تناقض‌گویی دارد از این رو بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و این بار لب به اعتراف گشود و بعد از 3 ماه پرده از راز جنایت برداشت و گفت: من سمیرا را کشتم و جسدش را پس از مثله کردن در حمام در بیابان‌های پاکدشت رها کردم.

پس از آن مأموران با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داده بود بقایای جسد سمیرا را کشف کردند. با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه 6 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اولیای دم برای دامادشان درخواست قصاص کردند و پس از آن پدر مقتول به جایگاه رفت و گفت: اگر دخترم مشکل اخلاقی داشت چرا طلاقش نداد، دختر من که خودش به دادگاه رفته و مهریه‌اش را بخشیده بود تا از شوهرش جدا شود. این مرد می‌توانست دخترم را طلاق دهد اما او را بی‌رحمانه به قتل رساند و ما را 3 ماه فریب داد.

سمیرا همیشه به خاطر رفیق‌بازی‌های شوهرش از او ناراحت بود و مدام از بزم‌های شبانه او با دوستانش که در خانه‌شان شرب خمر می‌کردند گله می‌کرد و از زندگی‌اش خسته شده بود. من به هیچ عنوان حاضر به مصالحه و گذشت نیستم، او باید بابت جنایتی که مرتکب شده تقاص پس دهد.

در ادامه قاضی حسن‌زاده، از پدر و مادر قربانی خواست تا به خاطر نوه‌شان از گناه دامادشان بگذرند که پدر قربانی گفت: او 3 ماه ما را بازی داد، در این مدت هم در خانه ما زندگی می‌کرد و با اینکه می‌دید چقدر ناراحتیم و غصه می‌خوریم اما به روی خودش نیاورد. سپس متهم به جایگاه رفت و گفت: اتهام را قبول دارم. اما نمی‌توانستم شرایط را تحمل کنم. من زنم را دوست داشتم اما او با همسایه‌مان در ارتباط بود. همان موقع موضوع را به پدر و مادر سمیرا گفتم و با وساطت آنها همسرم را بخشیدم. ولی دو روز بعد وقتی به خانه آمدم دیدم زن مهیار هم متوجه موضوع شده و با میله بارفیکس تمام شیشه و درخانه ما را شکسته است که میله بارفیکس را برداشتم و با همان میله وارد خانه شدم و به رفتارهای سمیرا اعتراض کردم که او با بی‌اعتنائی گفت دیگر علاقه‌ای به ادامه زندگی با من ندارد، من هم با همان میله بارفیکس چند ضربه به سرش زدم و او را کشتم و جسدش را در حمام خانه مثله کردم و به بیابان‌های اطراف پاکدشت بردم.

باور کنید وقتی جسدش را در بیابان رها کردم سه شب به آنجا می‌رفتم و به جسدش سر می‌زدم تا اینکه بار دیگر جسد را ندیدم و دیگر به آنجا نرفتم. من همسرم را دوست داشتم و نمی‌خواستم او را بکشم. در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند. همچنین در ادامه، مهیار به اتهام رابطه پنهانی با قربانی در پشت درهای بسته و غیرعلنی محاکمه و به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

*منبع: ایران